

تحلیل جامعه‌شناختی روایت‌های باز اجتماعی شدن^۱

(مطالعه موردی زندانیان شاغل در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌های تهران)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۷

احمد راهرو خواجه^۲، فیض‌اله نوروزی^۳، زهرا سادات مشیر استخاره^۴

از صفحه ۸۳ تا ۱۱۲

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر به منظور ارائه نتایج یک تحقیق عمیق در خصوص بازاجتماعی شدن مجرمان تدوین گشته است. از آنجا که در اهداف مجازات علاوه بر واکنش جامعه در قبال اعمال جریحه‌دارکننده، جامعه‌پذیری مجدد مجرمان نیز مدنظر است لذا هدف از این پژوهش، تحلیل جامعه‌شناختی روایت‌های باز اجتماعی شدن زندانیان شاغل در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌های تهران است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا به‌صورت رهیافت فرود به زمین و طبیعت گرایانه است. جامعه پژوهش را زندانیان شاغل در واحدهای اشتغال و حرفه‌آموزی زندان‌های تهران تشکیل داده‌اند. شیوه نمونه‌گیری پژوهش هدفمند بود و معیار اشباع نظری به عنوان معیار اساسی انتخاب نمونه بود. داده‌ها با استفاده از مصاحبه، جمع‌آوری گردید و برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق، از تحلیل روایت بهره جسته شد.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از جمع‌بندی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زندانیان مهمترین انگیزه حضور در واحدهای اشتغال را دوری از انضباط روزانه بندهای بسته دانسته تا با استفاده از برخی امتیازات از جمله ملاقات و تلفن راحت و در دسترس و نیز مرخصی‌های ماهیانه، دغدغه‌های مربوط به معیشت خانواده را رفع نمایند.

نتیجه‌گیری: برنامه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال برای زندانیان همواره از بالا به پایین طراحی و اجرا می‌گردند این در حالی است که به‌منظور بازاجتماعی کردن مجرمان، انعکاس علایق و استعدادهای شغلی زندانیان نادیده گرفته می‌شود و معنای این مضمون این است که برنامه‌ریزی از پایین به بالا اثرگذارتر خواهد بود. همچنین پرداخت دستمزد و بیمه برابر قانون کار و اطمینان از پشتیبانی دولت و مراکز حمایتی، در ایجاد اشتغال پس از آزادی، در کیفیت بازپذیری مجرمان حاضر در برنامه‌های آموزش و حرفه‌آموزی زندان‌ها، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل روایت، اشتغال و حرفه‌آموزی، زندانی، باز اجتماعی شدن.

۱- این پژوهش برگرفته از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشد.

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: a.rahero744@yahoo.com

۳- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: f_noroozi@iau-tnb.ac.ir

۴- استادیار جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: moshirzahra@gmail.com

مقدمه

جرم و مجازات به عنوان مفاهیمی محسوب می‌شوند که همواره توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی، دانشگاهی و نیز سیاست‌مداران و به طور کلی حکومت‌ها را به خود جلب کرده است (مهدوی ثابت، کونانی، ۱۳۹۸: ۳۳۱). به طوری که در رشته‌های علمی‌ای همچون روان‌شناسی، جرم‌شناسی و حقوق کیفری و جامعه‌شناسی با تاکید و محوریت مبانی فلسفی و نظری و اصول و شیوه‌های علمی مختص خود، دست به تحقیق و پژوهش می‌زنند (گلچین، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

در این میان، مفهوم بیکاری به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فراوانی میزان آسیب‌های اجتماعی و جرایم در جوامع مختلف، دارای تأثیرات آشکاری می‌باشند، از این جهت که مفاهیم کار و انسان دارای آمیختگی زیادی در عصر حاضر می‌باشند، به طوری که تصور یکی بدون دیگری غیر ممکن است زیرا انسان زندگی اجتماعی را با کار آغاز می‌کند و از طریق کار، به خواسته‌ها، نیازها و آرمان‌های خود دست می‌یابد و از طرفی دیگر، انسان به وسیله کار خود را می‌سازد و زمینه دگرگونی و تحول را در طبیعت، جامعه و نیز در خود فراهم می‌نماید (نوذری، ۱۳۹۷: ۷)، خلاصه اینکه انسان و کار خالق و مخلوق یکدیگرند (سیف‌الهی، ۱۳۸۸: ۲۳۰). کار یکی از جوانب اساسی زندگی هر فردی تلقی می‌شود که بوسیله آن نه تنها امرار معاش می‌کند بلکه از طریق آن می‌تواند شان و کرامت خود را به دست آورد (سام آرام، ۱۳۹۱: ۸۶). بررسی‌های پژوهشی نیز نشان می‌دهد که میان بیکاری و یا وضعیت شغلی نامناسب با بزهکاری و جرم و جنایت رابطه مستقیمی وجود دارد و در مقایسه با دیگر شاخص‌های اقتصادی همچون تورم و رکود، آثار تخریبی پدیده بیکاری بسیار زیان‌بارتر از دیگر شاخص‌ها می‌باشد و این موضوع موجب گشته که صاحب نظران و اندیشمندان توجه به مشکلات بیکاری جوامع را در اولویت سیاست‌های علمی و اجرایی خود قرار دهند (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵). طی دهه‌های اخیر، فلسفه مجازات‌ها، در واکنش به پیدایش جرایم با اهدافی چون بازدارندگی، اصلاح و تربیت، مفاهیم مرتبط با انواع پیشگیری و باز پروری و باز سازگاری و جامعه‌پذیری و باز اجتماعی شدن مجرمان مورد نظر و دقت صاحب‌نظران حوزه‌های علمی در طول دهه‌های اخیر بوده و هست (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۳۸). به دنبال این نظر، یکی از مباحث مهم در خصوص بازپذیری (باز اجتماعی شدن) مجرمان این گزاره می‌باشد که

شکوفای کردن استعدادها و آموختن شغل و مهارت‌های متناسب با توانایی‌های افراد، موجب اصلاح و درمان بزهکاران می‌گردد (اسداللهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۴). این مفهوم یکی از مهمترین فنون و روش‌های اصلاح و درمان محکومان در محیط‌های زندان می‌باشد که فروضی چون (قابلیت آموختن و تغییر محکومان) و (برخورداری محکومان از سطوح قابل اعتنائی از تفکر، اندیشه و توان اقدام) مبتنی بوده و بی‌آنکه تمرکز خود را بر مؤلفه‌هایی چون شناسایی و کنترل انگیزش‌های ناهوشیار و یا تغییر و تحول در ساختار شخصیتی محکومان معطوف دارد، فقط به دنبال توانمندسازی محکومان برای استقبال از کار و فعالیت در زندان و قرار گرفتن آنها بر امواجی از زندگی عادی و مشابه با دنیای خارج می‌باشد (مهدوی ثابت و کونانی، ۱۳۹۸: ۳۳۱). بدین معنا که آنان در پرتو خودآگاهی، نیازها و استعدادهای خود را کشف و راههای پاسخ‌دهی به آنها را شناسایی کرده و آنها را سامان‌دهی و هنجارمند می‌کنند و به خود آگاهی می‌رسند و از رهگذر همین خود آگاهی قدرت ارزش‌گذاری و خود آئینی که از شاخصه‌های شگفت‌انگیز کرامت انسانی است پیدا می‌شود (جهانگیری، ۱۳۹۶: ۶۳).

در کشورهای مختلف، براساس برنامه‌های جامع پیشگیری از وقوع جرم، کلیه برنامه‌های اجرایی باید شامل اقدامات مؤثر برای جلوگیری از تکرار جرم و جلوگیری از سازگاری ناموفق توسط مجرمین تکرارکننده جرم شود (بانکز^۱، ۲۰۱۷: ۱۱۵). براساس مطالعات انجام شده، مجرمان آزاد شده از زندان با چالش‌های مختلفی روبرو هستند که ممکن است مانع توانایی آنها در تبدیل شدن به شهروندان قانون مدار شود و در این راستا نگرانی ویژه مربوط به مجرمان پرخطر با سوابق طولانی جرم است (کراس^۲، ۲۰۱۶: ۲۵۴). یکی از ویژگی‌های اصلی استراتژی‌های موفقیت‌آمیز پیشگیری از جرم، توجه به ادغام مجدد اجتماعی زندانیان سابق در جامعه و توسعه مداخلات طراحی شده برای کاهش میزان تکرار جرم است (داو^۳، ۲۰۰۷: ۱۸۴). این مداخلات نمایانگر مجموعه وسیعی از تلاش‌ها است که توسط سیستم قضایی حمایت می‌شود و اغلب با همکاری آژانس‌ها و سازمان‌های مردم نهاد انجام می‌شود. برنامه‌های ادغام مجدد مجرمان، عوامل خطر پویا را در ارتباط با تکرار جرم هدف قرار می‌دهد و اقدامات ویژه‌ای بر چالش‌های

1- Banks

2- Cross

3- Dawe

خاص پیش روی مجرمان از جمله سو مصرف مواد و بیکاری متمرکز می‌نماید (مورد اک^۱، ۲۰۰۷: ۲۱).

فوکو (۱۳۹۵) با اشاره به این حقیقت که در عصر حاضر زندان راه حل زشتی است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد چرا که زندان به منزله نهاد پس از تغییر مجازات‌های بدنی رایج نظیر اعدام، قطع اعضاء بدن، زنده زنده سوزاندن و... در راستای انسانی شدن کیفر به عنوان یک تحول مثبت تلقی می‌گردد و چون جامعه متمدن آموخت برای نامرئی شدن مجازات و اجرا نشدن مجازات در چشم عموم، جایگزینی مجازات بدنی به زندان صورت پذیرد (فوکو، ۱۳۹۵: ۲۸۶). او در کتاب خود تولد زندان می‌گوید که کار اجباری در زندان‌ها به زندانبانان کمک می‌کند تا نظم را حفظ کنند و همچنین بر الگوی رفتاری زندانیان تأثیر بگذارند. تعهد کاری اصل نظم و نظم است ... تعهد کاری آشفستگی و انتزاع را از بین می‌برد، وراثتی را ایجاد می‌کند که بسیار پذیرفته شده است و رفتار زندانیان را به شیوه‌ای بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد (پترسون^۲، ۲۰۱۲: ۱۲).

حال با توجه به اینکه در کشور ما نیز همچون سایر کشورهای دنیا، از زندان به عنوان یکی از پرکاربردترین انواع مجازات‌ها استفاده می‌شود و از آنجا که در فلسفه مجازات زندان، همواره اصلاح و تربیت مجرمان و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم هدف اصلی محسوب می‌گردد و به همین منظور آموزش مهارت‌های شغلی و حرفه‌آموزی زندانیان از جمله برنامه‌های مستمر در زندان‌ها طراحی محسوب می‌شوند و در واقع ارزیابی برنامه‌های اشتغال و حرفه‌آموزی به نوعی ارزیابی بااجتماعی شدن مجرمان در زندان‌ها محسوب می‌گردند حال آنچه که مورد توجه است و به عنوان مساله اساسی محسوب می‌گردد این موضوع است که با توجه به مشکلات مربوط به نرخ بالای تکرار جرم در میان زندانیان و ورود مجدد به زندان‌ها و نیز عدم موفقیت در اجرای برنامه‌های مهارتی و حرفه‌آموزی پس از آزادی، از نظر آنها به عنوان اول شخص (زندانیان تحت شمول برنامه‌های اشتغال و حرفه‌آموزی)، باز اجتماعی شدن در زندان‌ها چگونه روایت می‌شوند؟

در واقع، در پژوهش حاضر درصدد هستیم که با یک شیوه تحلیل کیفی با بررسی تجربه زیسته زندانیان، به تأثیر و تأثرات مفاهیم شغلی و بیکاری و جرم و جنایت

1-Murdoch
2-Patterson

بپردازیم و در ادامه این بررسی، با مرور انواع شیوه‌های بازاجتماعی شدن مجرمان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق دست خواهیم زد. همچنین سعی داریم با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی به عنوان یکی از انواع تحقیقات کیفی، پدیده جرم و مجازات و نحوه بازاجتماعی شدن مجرمان را با یک روش طبیعی مطالعه نماییم. بنابراین در این پژوهش، مساله اساسی این امر است که معنای روایت‌های باز اجتماعی شدن زندانیان شاغل در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌های تهران چیست و چه اولویت‌هایی دارد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بازاجتماعی کردن مجرمان

در خصوص شرح مفهوم اصلی این پژوهش یعنی چستی بازپذیرسازی اجتماعی (باز اجتماعی کردن مجرمان) باید اذعان نمود که منظور از بازپذیری، فرایند سازگاری روانشناختی و اجتماعی یک فرد در محیط اجتماعی خاص خود، در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری است و هدف برنامه‌های بازپذیری اجتماعی ممانعت از ارتکاب جرم و کاهش خطر تکرار از جانب گروه معارض قانون می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۳۴).

بر همین اساس، یکی از مهمترین ادعاهای جامعه‌شناسان کلاسیکی همچون دورکیم و مارکس و ادامه‌دهندگان سنت‌های نظری آن‌ها این می‌باشد که جامعه و ابعاد مختلف آن پدیده‌ای عینی، جبری و بیرونی می‌باشند که مستقل از افراد وجود دارند و افراد جامعه تحت تاثیر و کنترل آن‌ها شکل می‌گیرند و جامعه‌پذیر می‌شوند. این ادعا، امروزه توسط رویکردهای پدیدارشناسی به چالش کشیده شده و مورد انتقاد جدی قرار گرفته است. پدیدارشناسان به ما نشان می‌دهند که هیچ جامعه پیشینی که فرد به درون آن پرتاب شود و جامعه‌پذیر گردد وجود ندارد. جامعه یک امر سیال و زنده است که دائماً در کنش مردم و در زبان مردم خلق می‌شود و شکل می‌گیرد. جامعه و ابعاد مختلف آن پدیده‌ای روایتی- کنشی هستند که در جهان زبان و تجربه‌ها خلق می‌شوند. اگر این شکاف نظری را بپذیریم، آنگاه می‌توانیم از منظر همین شکاف به تحلیل و ارزیابی پدیده‌های مختلف اجتماعی بپردازیم (مهرآیین، ۱۳۹۶: ۶).

با بررسی رویکردهای نظری گوناگونی که به تبیین جرم پرداخته‌اند مشخص می‌شود که از دوره کلاسیک تا پست مدرن، چرخش گفتمان به صورت آهسته اما پایدار پیرامون تلقی از جرم و تبیین آن رخ داده است. در دوره کلاسیک مجرم فردی عاقل و دارای اراده سالم فرض می‌شد که با گزینش فردی و به علت تصمیمات نادرست دست به ارتکاب جرم می‌زد، در رویکرد اثباتی، نگرانی نظریه‌پردازان به شناخت افراد مجرم و روشن ساختن ابعاد و ویژگی‌های اساسی تر بیولوژیک، عملکرد روانشناختی معطوف می‌شود. و آنان سعی می‌کنند با تقسیم‌بندی افراد جامعه به متعادل و غیرمتعادل، پدیده جرم را تبیین نمایند. در نظریات مدرن، عوامل اجتماعی پیدایش جرم مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرند، اما نظریات انتقادی به صورت ریشه‌دارتری بر نقش جامعه در پدیده مجرمانه و تعریف آن تأکید می‌ورزند و در نهایت نظریات پست مدرن به صورت کلی جرم را بر ساخته ذهنیت، زبان و قدرت دانسته و حقیقت وجودی آن را زیر سوال می‌برند (نیازی، ۱۳۹۳: ۷۱). جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی محکومان که به عنوان رویکردهای جدید پژوهش در حوزه جرم و مجازات شناخته می‌شوند با تأسی از رویکرد پدیدارشناسی سعی در کشف واقعیت جرم در جوامع مختلف دارند پدیدارشناسی رفتار انحرافی با دوری از سلطه شیوه‌ها و نظریات سنتی جرم‌شناسی و پژوهش در جرم، به دنبال یکی از شیوه‌های تحقیق کیفی یعنی پدیدارشناسی جرم و انحراف است به طوریکه با بررسی تجربه زیسته مجرمان به پدیدارشناسی جرم می‌پردازد (پولیزی^۱، ۲۰۱۷: ۱۱۰). آنچه که در این میان حائز اهمیت است کشف معانی کنش‌ها و حالات و احساسات در دنیای مجرمان است (چیچوک^۲، ۲۰۱۵: ۲۲۴). نظریه‌های استخراج شده از پدیدارشناسی جرم و جنایت، با پرداختن به جنبه‌های متمایزکننده‌ی نظریه‌های پدیدارشناختی جرم با سایر معرفت‌شناسی‌ها می‌پردازد که از جمله می‌توان به شیوه‌های کاری نظریه‌پردازانی چون گافمن، بکر، شاو و مک‌کی اشاره کرد (رافائل^۳، ۲۰۱۲: ۱۲۸).

همچنین جرم‌شناسی محکومان به عنوان یکی از رشته‌های نوین پژوهش در جرم‌شناسی، با روش کیفی قوم‌نگارانه اقدام می‌نماید قوم‌نگاری به عنوان روشی که مبتنی بر بیان و توصیف پدیده‌ها به زبان قومی است که درباره آنها پژوهش می‌شود. لذا

1- polisy
2- cheejook
3- Rafael

از زبان زندانی به توصیف زندان و پدیده بزهکاری پرداختن، ویژگی مهم روش جرم‌شناسی محکومان است یعنی قوم‌نگاری، بر روش کیفی تمرکز دارد که برای تحقق اهداف این روش، تعامل با زندانیان و در نظر گرفتن چشم‌اندازی از درون زندان ضروری است (شیری، ۱۳۹۷: ۵۶). بنابر نظر جرم‌شناسان فرهنگی، جرم اینگونه تعریف می‌گردد: جرم یک فعالیت یا یک واقعیت انسانی است که از نظر ماهیت فرهنگی، محصول نظم اجتماعی به حساب می‌آید نظمی که همه ما در هر لحظه تاریخی در آن زندگی می‌کنیم. به عبارت دیگر جرم دربرگیرنده تجربیات و رفتارهای زندگی روزمره تمام اعضای جامعه است (حسنی ۱۳۹۴: ۱۰۸). همچنین این نظریه‌پردازان معتقدند که واقعیت آن چیزی نیست که وجود دارد بلکه آن چیزی است که روایت می‌شود این که چرا شخص واقعاً مرتکب جرم شده است شاید واقعیتی دست نیافتنی باشد ولی مرتکب خود با زبان خود آن را بازگو می‌کند دریچه‌ای به کشف یا فهم واقعیت گشوده می‌شود. بنابراین اساس کار جرم‌شناسی محکومان بر درک و تجربه محکومان نسبت به پدیده بزهکاری و عملکرد نظام عدالت کیفری قرار دارد درک و تجربه شخصی یا از طریق مشاهده و گفتگو با سایر محکومان (کوسکی^۱، ۲۰۰۷: ۱۸۷). ریچارد مک کلدی در کتاب مردان خطرناک به دنبال اثبات این ادعا بود که ایجاد نظام‌هایی که مدعی اصلاح در زندان هستند علیه بزهکاران بوده و هرگز قصد کمک به آنان را نداشته است وی راه چاره را در دخالت دادن محکومان برای شناسایی نیازهای آنان می‌داند علاوه بر آنها برای شناسایی راه‌حل‌ها هم باید صدای محکومان شنیده شود. سه اصل مهم در خصوص مزایای جرم‌شناسی محکومان عبارتند از: ۱- هیچ کس بهتر از محکومان نمی‌تواند آثار زندان بر محکوم و خانواده آن را بیان کند. مزایا و معایب زندان و برنامه‌های اصلاحی و تنبیهی از زبان محکوم انطباق بیشتری با واقعیت دارد. ۲- فلسفه تشکیل جرم‌شناسی محکومان، ناشی از بازخوانی دوباره برچسب‌زنی است. به عقیده اریکسون اندیشه‌های تاننوم و گافمن درباره برچسب‌زنی و داغ ننگ زدن را در این جمله باید خلاصه کرد که فرایند برچسب‌زنی مراسم خاکسپاری یک محکوم در جامعه است ۳- تأثیر جرم‌شناسی محکومان بر کاهش جمعیت کیفری زندان انعکاس واقعیت‌های درون زندان از زبان محکومان به نحو مؤثری نشان می‌دهد که زندان نه تنها به کاهش جرم در آینده کمک

نمی‌کند بلکه یکی از علت‌های اصلی تکرار جرم است (شیری، ۱۳۹۶: ۶۶). در این حوزه علمی، موضوعات مرتبط با علت‌شناسی پدیده مجرمانه، مراحل نظام عدالت کیفری، نهادهای اجرای کیفر یا موسسات تادیبی مراقبتی و درمانی و سایر موضوعات مرتبط مستقل از یکدیگر مورد بحث قرار می‌گیرند. جرم‌شناسی محکومان با تأسی از شیوه‌های پژوهش کیفی، موضوع تناقضات بین مجازات معاصر و اجتماعی شدن را به ما جلب کردند. ما طی طیف وسیعی از منابع مستقیم شخصی و آثار نظریه‌پردازان بسیار گسترده اروپینگ گافمن و میشل فوکو را به تحلیل و بحث در مورد مفهوم و واقعیت اجتماعی‌سازی مجدد پرداخته‌ایم. رابطه بین مجازات و اجتماع مجدد، اگرچه کاملاً روشن است، اما به طور کامل نمی‌تواند توصیف شود زیرا داده‌های ما و به ویژه تعاریف اجتماعی‌سازی بسیار مشترک هستند. دولت و سازمان زندان‌ها سالانه برنامه‌ها و دوره‌های مهارتی را درباره روند اجتماعی شدن در داخل زندان منتشر می‌کنند، اما افرادی که در میانه این روند هستند (زندانیان) تلاش دولت برای تغییر برخی رفتارهای مجرمانه را چگونه تجربه می‌کنند (پترسون، ۲۰۱۲: ۱۰۵).

پورقهرمانی و استادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر اشتغال و حرفه‌آموزی زندانیان بر کاهش گرایش به تکرار جرم (مطالعه موردی زندان تبریز)، انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که، میزان گرایش به تکرار جرم و گرایش به بازگشت در بین زندانیان شاغل کم‌تر از زندانیان عادی بود، همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که، میزان انگیزه اشتغال و احساس پذیرش اجتماعی در بین زندانیان شاغل بیشتر از زندانیان عادی بود. نتایج در حالت کلی نشان‌دهنده این بود که مهارت و حرفه‌آموزی زندانیان در زندان به واسطه هیجانانگیزی از قبیل انگیزه‌ی اشتغال و احساس مقبولیت اجتماعی، میزان گرایش‌ها به جرم و بازگشت به زندان را کاهش می‌دهد. پیری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی وام‌های اشتغال اداره خدمات اجتماعی و مرکز مراقبت بعد از خروج زندان‌های استان سیستان و بلوچستان در کاهش جرم و بازگشت مجدد به زندان، دریافت که بین برنامه‌های آموزشی حرفه‌آموزی زندان در جذب وام‌های اشتغال‌زایی و ایجاد اشتغال زندانیان، بین میزان مبالغ وام با میزان اثربخشی وام‌های خوداشتغالی بر زندانیان آزادشده و بین وام‌های اشتغال‌زایی با کاهش جرم و بازگشت مجدد زندانیان آزادشده، تفاوت معنادار و مثبتی در سطح ۰/۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. رفیق حسنی (۱۳۹۵) در

پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در میزان اشتغال زندانیان آزاد شده در استان کردستان بین سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۲، دریافت که ۹۳ نفر معادل ۴۴ درصد بین شغل قبل از زندان و بعد از آزادی از زندانشان تناسب وجود داشت و ۳۸ نفر معادل ۱۸ درصد در راستای شغل قبل از زندانشان آموزش دیده بودند و ۱۵۷ نفر معادل ۷۵ درصد آموزش‌های گذرانده شده در زندان در راستای شغل قبل از زندانشان نبوده است. سیواچ^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «شوکه‌های بیکاری برای افراد در حاشیه: بررسی اثرات تکرار جرم»، به این نتیجه رسید که بیکاری در زندانیان آزادشده، منجر به افزایش تمایل به سمت جرائم خواهد شد. در این پژوهش، متغیرهای اقتصادی، به‌عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تکرار جرم در ایالت‌های آمریکا شناخته شدند. بالس، کلارک و اسکاکس^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان (ارزیابی اثر برنامه‌های اشتغال در زندانیان پس از آزادی در زندان‌های فلوریدا) دریافتند که برنامه‌های آموزشی اشتغال اثر مثبتی بر کاهش جرم و بازگشت مجدد زندانیان به زندان دارد و علاوه بر این می‌تواند باعث بهبود ایجاد شغلی در زندانیان گردد.

گیل و ویلسون^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «بهبود موفقیت برنامه‌های عدم بازگشت در زندانیان آمریکا» دریافتند که آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای باعث کاهش بازگشت زندانیان به زندان می‌شود. والتین و ریکوردس^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «اثر آموزش‌های شغلی بر زندانیان: تأثیر اشتغال و عدم تکرار جرم پس از آزادی در زندان‌های ۲۴ کشور اروپایی» نشان دادند که آموزش برنامه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال در زندان باعث کاهش تکرار جرم در زندانیان آزادشده می‌شود. جکسون^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «کاهش تکرار جرم: توان‌بخشی و یکپارچه‌سازی از طریق اشتغال درمیان زندانیان انگلستان» نشان داد که ۶۸ درصد از زندانیان آزادشده که از طریق تسهیلات و گرفتن وام‌های اشتغال‌زایی به کار مشغول شده‌اند و تکرار جرم در آن‌ها کاهش یافته است. مک دونالد^۶ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان «پیمایش اشتغال‌پذیری از پایین به بالا برای توسعه مسیرهای حرفه‌ای مورد نیاز جوانان

1- Siwach

2- Bales, Clark & Scagg

3- Gill & Wilson

4- Valentine & Redcross

5- Jackson

6- McDonald

محروم» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه روایت‌های اشتغال‌پذیری حاکم در سیاست‌های آموزش و اشتغال با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و بازار کار، تطابق ندارد طوری که کارجویان محروم با توجه به مفاهیم مسیر حرفه‌ای و تناسب بین فرد و بازارکار با این چالش‌ها مواجه هستند. پاسخ‌های سیاستی نیازمند احتساب تجارب متنوع از پایین به بالا و شرایط گروه‌های مختلف جوانان است. کاله^۱ و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی تحت عنوان آموزش مهارت آموزی زندان و بازگشت به حبس زندانیان سابق را در کشور استرالیا انجام داده‌اند. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که شرکت در آموزش حرفه‌ای مهارت آموزی در دوران حبس به احتمال باقی ماندن در آزادی در ۲ تا ۵ سال پس از آزادی به هر دو گروه مردان و زنان کمک می‌کند. نیوتن^۲ و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان اثر برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و مهارت‌آموزی بر روی بازگشت به زندان، مبتنی بر شواهد تجربی انجام داده‌اند. از نتایج مهم اینکه اگر چه بین ارتکاب جرم و بیکاری به خوبی ارتباط برقرار است، اما ارتباط نسبتاً کمی در مورد اثر برنامه آموزش حرفه‌ای و مهارت آموزی بر روی ارتکاب مجدد جرم شناخته شده است. عدم وجود پشتیبانی مرتبط به مشارکت برنامه‌ها با موفقیت اشتغال متعاقب آن از دیگر نتایج این پژوهش است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا به صورت رهیافت فرود به زمین و طبیعت‌گرایانه است. نظریه زمینه‌ای قوانین جامعه‌شناختی ویژه و اصول و تعمیم‌های تجربی را ایجاد می‌کند. در واقع نظریات زمینه‌ای قوانین تجربی را تولید می‌کند (نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). جامعه پژوهش را زندانیان زندان‌های شهرستان تهران تشکیل داده‌اند. حجم نمونه ۲۳ نفر تعیین شد و با استفاده از شیوه روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه جمع‌آوری گردید. محقق با استفاده از تکنیک تحلیل روایت به عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی، به تحلیل موضوع پژوهش می‌پردازد در این تکنیک با استفاده از ابزار مصاحبه از نوع روایتی (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۵۸) نسبت به ثبت روایت‌های شغلی زندانیان قبل از ورود به زندان و حین

1- Cale

2- Newton

ارتکاب جرم و حین تحمل حبس و نیز در زمان آموزش حرفه آموزی و اشتغال آنان به استخراج و خلاصه نمودن مقولات و مضامین اصلی و محوری اقدام نمود. برای تأمین و حفظ اعتبار و صحت اطلاعات جمع‌آوری شده محقق تلاش کرد که پیش داوری‌های خویش یا به عبارت دقیق‌تر فرافکنی‌های خود را در جریان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها وارد نکند. به تعبیری اپوخه می‌کند (اجتناب از پیش داوری‌ها) بدین منظور به هیچ وجه نگرش و دیدگاه شخصی خود را در زمینه موضوع مورد بررسی به مصاحبه شونده القاء نمی‌کند و از این حیث سعی نمود بدون سوگیری عمل نماید. جهت افزایش سطح باورپذیری یافته‌های حاصل از پژوهش، محقق از یک سو رابطه‌ای دوستانه و تا حدی عمیق را با مصاحبه‌شوندگان فراهم کرد و پس از جلب اعتماد آنان سوالات باز پاسخ را به کار گرفته و اطلاعات مورد نیاز را از مصاحبه‌شوندگان دریافت می‌کرد. ضمناً محقق برای اینکه بتواند اطلاعات را از مصاحبه استخراج نماید اقدام به ضبط آنها نموده تا در فرصت مناسب ضمن بازشنوایی اطلاعات، داده‌ها را دقیق‌تر کسب نماید.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

با در نظر گرفتن معیار اشباع نظری برای انجام مصاحبه‌های پژوهش مذکور با تعداد ۲۳ نفر از زندانیان مستقر در واحدهای اشتغال و حرفه آموزی زندان‌های استان تهران در فرآیند رسیدن به اشباع نظری مصاحبه شدند که مشخصات عمومی و نوع جرم و میزان مجازات این افراد به شرح جدول زیر می‌آید:

جدول شماره ۱. مشخصات توصیفی متغیرهای توصیفی زندانیان مورد مطالعه

متغیرهای توصیفی	شاخص	ویژگی‌ها فراوانی درصد	متغیرهای زمینه‌ای	شاخص	ویژگی‌ها فراوانی درصد
تأهل	متأهل	۳	کارگاه اشتغال زندان قزلحصار	۱۳/۰۴	۶
	مجرد	۱۳	کارگاههای اشتغال ندامتگاه تهران بزرگ	۵۶/۵۲	۱۰
	جدایی از همسر	۷	کارگاه اشتغال زندان قزلحصار	۳۰/۴۳	۷
تحصیلات	بی سواد	۱	زیر ۵ سال حبس	۴/۳۴	۷
	ابتدایی	۴	۵ تا ۱۰ سال حبس	۱۷/۳۹	۶
	راهنمایی	۶	۱۰ تا ۱۵ سال حبس	۲۶/۰۸	۴
	دبیرستان	۳	بالای ۱۵ سال حبس	۱۳/۰۴	۵
	دیپلم	۶	فوق دیپلم و بالاتر	۲۶/۰۸	۸
	۳۹ تا ۳۰ سال	۱۰	میزان	۱۳/۰۴	۳
رده سنی	۴۹ تا ۴۰ سال	۱۰	مجازات	۲۶/۰۸	۶
	۵۹ تا ۵۰ سال	۱	حبس	۱۳/۰۴	۳
	۶۹ تا ۶۰ سال	۲	میزان	۲۶/۰۸	۶
	سابقه	۱۰	سابقه	۴۳/۴۷	۱۰
	کیفری	۱	کیفری	۴۳/۴۷	۱۰
	۱ تا ۵ سابقه	۱۲	شغل و حرفه	۴/۳۴	۱
نوع جرم	مواد مخدر (تولید، حمل و نگهداری و خرید و فروش)	۱۳	خدماتی (کارواش و تعمیر خودرو)	۳۰/۴۳	۷
	سرقت ضرب و جرح	۷	کارگاهی خیاطی- نجاری	۳۴/۷۸	۸
	کلاهبرداری	۳	صنعتی - آهنگری	۲۶/۰۸	۶
			اشپزی و نانوائی	۸/۶۹	۲

(ب) یافته‌های استنباطی

همان‌طور که در بخش قبل عنوان شد در این پژوهش، محقق با انتخاب رویکرد کیفی این هدف را ترسیم کرده است که براساس روایت‌هایی که از طریق مصاحبه از زندانیان مستقر در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال به بررسی جهان زندگی آنها بپردازد.

اقامت در زندان یعنی زندانی شدن یا زندانی بودن برای برخی از انسان‌ها یک تجربه‌ی زیسته‌ای را شکل می‌دهد و به همین منظور، در واقع ما به دنبال بررسی ماهیت و معنای حالات، احساسات و ادراکات آنها در خصوص برنامه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال که با هدف بازسازی زندگی این افراد توسط سازمان زندان‌ها در حال اجرا می‌باشد به جمع‌بندی مقولات و مضامین اساسی آن پرداختیم. با توجه به شیوه‌های مختلف ارائه‌ی نتایج و یافته‌ها در تحقیقات کیفی در این پژوهش با در نظر گرفتن بهترین الگوی مناسب در ارائه‌ی یافته‌ها که عمدتاً با استخراج مقولات و مضامین اصلی و محوری مستتر در داستان‌ها و روایت‌ها حاصل می‌گردد این رویکرد اساسی در نظر گرفته شد که برای پاسخ‌گویی به سوالات پژوهش سه خط سیر را مورد توجه قرار دهیم.

یافته‌های پژوهش حاضر، با استخراج مهمترین مقولات و مضامین مندرج در مصاحبه‌های روایتی که مرتبط با حالات، احساسات و ادراکات زندانیان از زمان بازداشت و ورود به زندان تا مقطع انتقال به واحدها و بندهای حرفه‌آموزی و اشتغال می‌باشند تحت عنوان (دنیای زندانی از بازداشت تا مهارت‌آموزی و اشتغال) ارائه می‌گردد:

جدول شماره ۲. مقولات مرتبط با آگاهی و تجربه‌ی زندانیان از حضور در مسیر اشتغال

مقولات	مؤلفه‌ها	تعداد تکرار
اولویت دغدغه‌های زندانیان	دغدغه‌ی بقا و زندگی نباتی-چگونگی معیشت روزانه‌ی خانواده‌شان	۲۲
اولویت ارزشمند بودن لطفی کوچک در مقابل سختی بزرگ	پس از سختی‌های بزرگ این لطف حضور در بندهای اشتغال و حرفه‌آموزی ارزشمند جلوه می‌نماید	۱۷
اولویت احساس برگشتن به جامعه	امید به زندگی-دوری از رنج-نظارت بر معیشت و زندگی خانواده	۲۰
اولویت انگیزه حضور در بندهای اشتغال	ملاقات با خانواده- تلفن در دسترس و امکان کنترل بر زندگی خانوادگی-مشغول شدن باعث گذر زمان می‌شود- در اختیار گذاشتن مهارت و حرفه از قبل آموخته شده به زندانیان دیگر- گرفتن دستمزد روزانه برای رفع نیاز روزانه	۱۹

الف) اولویت دغدغه‌های زندانیان

آنچه که از مصاحبه‌ی زندانیان در زمان حرفه‌آموزی و اشتغال از زبان آن‌ها بازگو می‌گردد این نتیجه را حاصل نمود که زندانیان بنا به دلایل هم چون دغدغه‌ی بقا و زندگی نباتی خود و نیز دغدغه‌ی چگونگی معیشت روزانه‌ی خانواده‌شان همواره درگیر مشغله‌هایی تخصصی غیر از کیفیت حرفه‌آموزی برای آینده یعنی زمان آزاد شدن خود می‌باشند.

ب) ارزشمند بودن لطفی کوچک در مقابل سختی بزرگ

زندانیان حاضر در بندهای حرفه‌آموزی و اشتغال با یادآوری روزهای سختی که در زمان بازداشت موقت تا صدور حکم داشته‌اند معتقد بودند اگرچه در این فضای نیز بعضاً شاهد برخی ناملایمات‌ها از سوی پرسنل بوده‌اند اما پس از سختی‌های بزرگ این لطف حضور در بندهای اشتغال و حرفه‌آموزی ارزشمند جلوه می‌نماید.

ج) احساس برگشتن به جامعه

در شرح این مقوله براساس اظهارات زندانیان فوق این نتیجه حاصل می‌گردد که زندانیان بعضی انتقال به بندهای حرفه‌آموزی و انتقال کورسوی امیدی را در ته جهنم می‌دهند چراکه با برخی امتیازات از جمله ملاقات، مرخصی و کسب درآمدی هر چند پایین می‌توانند به امورات زندگی خانوادگی خود نظارتی داشته باشند در این خصوص زندانیان با یک دیالوگ جمعی خواص اشتغال به کار را این گونه تفسیر می‌کنند که پس از دورانی پر از رنج و درد ناشی از بازداشت و بلا تکلیفی که همواره به فکر مرگ و خودکشی و نابودی تمام عیار بوده‌اند اکنون فرصتی پیدا کرده‌اند تا بار دیگر از رنج‌ها دوری کرده و جز زندگی امیدوار گردند.

د) انگیزه حضور در بندهای اشتغال

زندانیان در پاسخ به سوالات مربوط به انگیزه حضور آنها در بندهای اشتغال و حرفه‌آموزی به طور کلی اظهار داشتند که در این واحدها، استفاده از زندانیان همچون ملاقات با خانواده و تلفن در دسترس و امکان کنترل بر زندگی خانوادگی را افزایش می‌دهد و افراد به همین دلیل انگیزه پیدا می‌کنند که به این واحدها منتقل شوند. همچنین رهایی از فضای سخت انضباطی و غیرقابل تحمل برنامه‌های روزانه زندان از دیگر انگیزه‌ها می‌باشد.

این افراد با طرح این موضوع که مشغول شدن در زندان کمک قابل توجهی در گذران زمان می‌کند که در کنار این مقولات، از انگیزه برخی از زندانیان دارای سوابق متعدد به مصرف موادمخدر در واحدهای اشتغال را نیز ذکر نمود که افراد به دلیل عدم احراز برنامه‌های انضباطی روزانه، شانس بیشتری برای این تخلف در زندان پیدا می‌کنند. همچنین برخی از زندانیان اعلام نمودند که از جمله انگیزه‌های اولیه آنها، در اختیار گذاشتن مهارت و حرفه از قبل آموخته شده به زندانیان دیگر را انگیزه برای ثبت این موضوع در پرونده‌شان و اعمال تخفیف در مجازات کرده‌اند.

همچنین از دیگر دلایل اشتیاق زندانیان برای انتقال به واحد اشتغال این گونه طرح شده است که افراد با یک محاسبه اقتصادی، می‌گویند که با گرفتن دستمزد روزانه

می‌توانند علاوه بر تهیه‌ی غذای شخصی از فروشگاه زندان، به تهیه سیگار و سایر اقلام مورد نیاز نیز دست پیدا کنند.

در خصوص انگیزه زندانیان رای بازی نیز این نتیجه حاصل شده که زندانیان معتقدند که زمان مرخصی با درآمد حاصل از کار در واحدهای اشتغال می‌توانند با دست پر نزد خانواده‌ی خود بروند.

جدول شماره ۳. مقولات مرتبط با ارزیابی زندانیان از اشتغال و حرفه آموزشی

مقولات	مؤلفه‌ها	تعداد تکرار
کیفیت آموزش و حرفه آموزشی	سلطه نگاه انضباطی - کمبود فضا و امکانات آموزشی - کم بودن تمرکز زندانی به لحاظ فشارهای روانی	۱۶
دلایل رضایت از اشتغال و حرفه آموزشی	بعد از یک وقفه بازداشت موقت، این یک ودیعه‌ی بسیار ارزشمند است - آسان بودن مصرف مواد مخدر در این واحدها - مثمرتر شدن در گرفتن عفو و تخفیف مجازات - سرگرمی	۲۱
دلایل نارضایتی از اشتغال	بیکاری و کار زیاد - احساس اجحاف از سوی مسئولین - کارهای خارج از روال و عرف شغلی - الفاظ خشونت آمیز از سوی پرسنل واحدهای اشتغال - تخریب زندانیان علیه هم	۲۳

الف - کیفیت آموزش و حرفه آموزشی:

زندانیان مورد نظر در مصاحبه‌های خود، در خصوص شرکت در کلاس‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی شغلی عنوان نمودند که اولاً به لحاظ کمبود فضا و امکانات آموزشی و علاوه بر آن راحت نبودن در کلاس‌ها به لحاظ سلطه نگاه انضباطی، علیرغم عقلایی بچه‌ها، کلاس‌ها برگزار نمی‌شوند و ثانیاً به لحاظ فشارهای روانی مختلف بر روی زندانی، تمرکز برای دریافت مطالب و یادگیری مهارت‌ها به صورت تمام و کمال صورت نمی‌گیرد زیرا اولین مسئله‌ای که زندانیان به عنوان دغدغه اصلی بر ذهنشان می‌گذرد فکر تقویم و تاریخ آزادی از زندان است بطور مثال محمد می‌گوید «که ما همواره تحت شعاع وضعیت روحی و روانی و درد ناشی از بازداشت و نگرانی و اضطراب خانواده‌مان هستیم».

در این بین می‌توان به جمله یکی از زندانیان اشاره کرد که بارها شده ما در مسیر اعزام به کلاس‌های آموزشی مورد عتاب و خطاب قرار گرفتیم و به جهت تأخیر در حضور در کلاس‌ها انواع توهین‌ها را از پرسنل شنیدیم. یکی از دیگر از زندانیان به نام

حسین اشاره می‌کند که کلاً آموزش در زندان یک خاصیت دارد و آن هم وقت‌گذرانی است. هیچ کس هیچی یاد نمی‌گیرد و مدارک فنی و حرفه‌ای که به بچه‌ها می‌دهند همش الکیه.

«در این بین یکی از زندانیان، تجربه‌ای از آموزش خاتم کاری توسط یکی از زندانیان استادکار را بازگو کرد که خیلی جالب توجه بود حمید می‌گفت چون آن زندانی از جنس خودمان بود و ما را درک می‌کرد و از اینکه دارد خودش را ثابت می‌کند لذت می‌برد ما هم خیلی لذت می‌بردیم و در کلاسش حضور می‌یافتیم و اکثر بچه‌ها تو زمینه‌ی خاتم کاری استادکار شدند».

ب- دلایل رضایت از اشتغال و حرفه آموزشی:

در خصوص انگیزه‌های زندانیان برای انتقال به واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال قبلاً نیز آمده است که زندانیان به لحاظ رهایی از انضباط سفت و سخت روزانه بندهای بسته، و نیز جهت بهره‌مندی، از امتیازات واحدهای اشتغال که با ملاقات و تلفن در دسترس و به ویژه مرخصی‌های ماهیانه رسیدگی و نظارت بر امورات خانوادگی‌شان را تعقیب می‌کنند و از این لحاظ این واحدها برایشان مفید است. همچنین زندانیان به محض شروع برخی فعالیت‌ها تحت عنوان اشتغال نشسته نیز که در بندهای بسته صورت گرفته اعلام داشته‌اند که این قضیه یعنی مشغول شدن به کارهایی همچون قلاب‌بافی و صنایع دستی کوچک، ما را از فکر و عذاب‌های مختلف رها می‌کرده است و به نوعی یک امید به زندگی محسوب می‌گشته است.

پس از انتقال به واحدهای اشتغال و زندان‌های باز، تجربه زیسته‌ی زندانیان شاغل این معنا را جلوه‌گر شده است که آنها معتقدند بعد از یک وقفه بازداشت موقت، این یک ودیعه‌ی بسیار ارزشمند محسوب می‌شود چراکه آنها احساس رهایی و آزادی می‌کنند و احساس می‌کنند که برگشتن به خانواده و جامعه امکان‌پذیر شده است.

در این خصوص رضا می‌گوید که ما بارهایی از فضای سخت و غیرقابل تحمل بندهای عمومی زندان بسته، و حضور در واحدهای اشتغال، به کنترل و نظارت بالای سر خانواده‌مان نزدیک شدیم و این باعث آرامش ما و خانواده‌های ما شده است.

همچنین در کنار دیگر انگیزه‌های زندانیان و رضایت آن‌ها از حضور در واحدهای اشتغال می‌توان به موارد دیگر به شرح زیر نیز اشاره کرد:

مصرف مواد مخدر در این واحدها از نظر زندانیان به لحاظ دور زدن برنامه‌های اشتغال و کارخانه در اینجا با ریسک کمتری انجام می‌شود تا بندهای عمومی.

همچنین برخی زندانیان با بروز خلاقیت‌های خود و نشان دادن انگیزه‌های فعالیت‌های شغلی در زندان به منظور ثبت این موضوع در پرونده و نهایتاً مثرمتر شدن در گرفتن عفو و تخفیف مجازات تلاش می‌کنند.

برخی دیگر نیز موضوعات را با مفهوم واقعیت کار در زندان این گونه شرح می‌دهند: به طور مثال محمد می‌گوید من در زندان به سرگرمی نیاز دارم یعنی اینکه می‌خوام فراموش کنم که کجا هستم.

طباطبایی می‌گوید که در واحدهای اشتغال چون زندانیان کار می‌کنند و درآمدشون پایینه وقتی که میخان برونند مرخصی باید با دست پر برونند پیش خانواده‌هاشون. همچنین اونها میخان یک زندگی اعیونی داشته باشند یعنی شام و نهار دولتی نخورن و از بوفه غذای گرم و شخصی بخرند و برای این موضوع هم، به پول نیاز دارند و اینجا جائیه که اونها می‌تونند توی زندان شاهی کنند و سفره بذارند و غذای غیردولتی بخورند و به حساب خانواده‌هاشونم پول بزنند.

ج- دلایل نارضایتی از اشتغال:

برخی از زندانیان در داستان‌های خود، با اشاره به ناراحتی و نارضایتی از بیکاری و کار زیاد در رای بازی (اشتغال بیرون زندان) در خصوص شرایط سخت قبل از اشتغال یعنی در زمان بازداشت موقت اشاره کرده در نهایت اعلام می‌کنند که با توجه به شرایط فوق، کار در زندان برای رسیدن به برخی امتیازات است.

آنچه که سختی و فشار بر روی کار زندانیان را ایجاد می‌کند بیشتر برمی‌گردد به احساس اجحاف از سوی مسئولین واحدهای اشتغال برای انجام دادن برخی کارهای خارج از روال و عرف شغلی است آنها بعضاً با نارضایتی از برخورد و الفاظ خشونت‌آمیز از سوی پرسنل واحدهای اشتغال، این وضعیت را غیرقابل تحمل اعلام می‌کنند.

طباطبایی در این خصوص می‌گوید که در اینجا ما شاهد رفتار بد پرسنل هستیم البته این چیزها در زندان طبیعی‌آه هر کسی سعی می‌کند دیگری رو تخریب کنه، و وقتی که ما زندانیان، به همدیگه رحم نمی‌کنیم چه انتظاری از آن افسری داریم که هزار تا مشکل داره و سعی می‌کنه مشکلاتش رو روی سر ما خالی کنه و...

از دیگر نکات مربوط به دلایل نارضایتی زندانیان، بحث میزان درآمدشان است اینکه آنها، احساس بیگاری کشیدن می‌کنند برمی‌گردد به سختی‌های کار زیاد که در ازای حقوق و دستمزد پایین، آنها را ناراحت و نارضی کرده است آنها می‌گویند چرا بنیاد تعاون زندانیان باید به این میزان بالا از ما کار بکشد و سود مضاعف بگیرد ولی حقوق ناچیز به ما بدهد.

در پایان این قسمت نکته‌ای که می‌ماند این است که برخی از زندانیان در انتخاب کار در زندان مدعی هستند که این تصمیم را از روی آگاهی و اراده و محاسبه انتخاب نکرده‌ایم بلکه انگیزه اصلی ما این بود که برای استفاده از برخی امتیازات حداقلی، چاره‌ای جز این انتقال به واحد اشتغال نداشته‌ایم. چراکه در بندهای عمومی به دلیل جمعیت بالای حاضر در اتاق‌ها و مشکلات مربوط به تخت و تلفن و بهداشت و... حاضر شدیم از آن، خلاصی پیدا کنیم و به واحدهای اشتغال منتقل شویم.

در این خصوص محمد می‌گوید در میان زندانیان این برداشت وجود دارد که برخی فیلترها و محدودیت‌ها در بندهای عمومی زندان بسته و در مقابل گذاشتن برخی آپشن‌هایی چون پخت غذای شخصی در بندهای اشتغال و در دسترسی بودن تلفن می‌خوان، انگیزه انتقال به بندهای اشتغال را افزایش بدهند.

جدول شماره ۴. مقولات و مضامین مربوط به دغدغه و دلمشغولی‌های باز اجتماعی شدن

مقولات	مؤلفه‌ها	تعداد تکرار
دغدغه‌ها و مشکلات و موانع شخصی و خانوادگی برسر راه باز اجتماعی شدن	تأمین معیشت حداقلی برای همسر و فرزندان-تأمین مسکن برای خانواده-شناخته شدن با عنوان خلاف‌کار-درآمد پایین و نامطمئن	۲۲
متفاوت و متمایز بودن باز اجتماعی شدن در میان محکومان	تفاوت حبس‌های کوتاه مدت و بلند مدت-عدم نظارتی دقیق بر روی این افراد- محکومان حبس‌های طولانی مدت فرصت بیشتر برای مرور اشتباهات	۱۹
تأثیر دغدغه‌های زندانی بر روی برنامه‌های بازاجتماعی شدن	فکر کردن راجع به تهیه‌ی سیگار و مواد مصرفی در داخل بند- دغدغه‌های مربوط به ناموس و خانواده- فشارهای روانی حاصل از مرگ عزیزان- بقا در زندان و سرپرستی از ناموس- کار و درآمدزایی پس از آزادی	۲۳
نقد کلان جامعه و بی‌اعتمادی به دادگاه	سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی و وجود تبعیض و بی‌عدالتی و پارتی‌بازی در جامعه- نگاه تبعیض آمیز در خصوص عفو و تخفیف مجازات و آزادی زندانیان- نسل سوخته	۲۰
اثرات متناقض برچسب و داغ زندانی بودن	زد و بند و قاچاق و دلالتی امورات- مسلط بودن خرده فرهنگ مصرف و خرده فروشی مواد مخدر- از برچسب مواد مخدری بودن هیچ نگرانی و ابایی ندارند	۲۳
آینده‌نگری و احساسات زندانیان	پایین بودن حقوق و دستمزد کارگران- عدم خوش‌بینی برای آینده‌نگری و احساسات زندانیان آینده- وضعیت شغلی ما در محدوده‌ی کارگری با حقوق ناچیز- عدم اعتماد جامعه و بازار نسبت ما	۱۹

الف- دغدغه‌ها و مشکلات و موانع شخصی و خانوادگی برسر راه باز اجتماعی شدن

در این پژوهش اولین مضمونی که از میان روایت‌های زندانیان با عنوان دغدغه و مشکلات بر سر راه بازاجتماعی شدن آنها استخراج گشته است در ابتدا برمی‌گردد به مصرف مواد مخدر و بعضاً مصرف الکل در میان افراد می‌باشد بطوری که آنها این مشکل را که از ابتدای جوانی با آنها همراه بوده است و در مسیر زندگی همواره یکی از دلایل بروز مشکلات بوده است و اگرچه در زندان به دلیل محدودیت‌های انضباطی اعمال شده، سم‌زدایی شده‌اند و به طور موقت از بند مواد مخدر رهایی پیدا کرده‌اند اما همچنان، با توجه به بسترهای ثابت مستقر در بیرون از زندان را در گرایش مجدد به این موضوع را مؤثر می‌دانند.

در کنار این موضوع، آنچه که در اذهان زندانیان به عنوان نگرانی مستمر بر سر آنها آوار شده است مشکلات و دغدغه‌های پیرامون خانه و خانواده‌ی آنها می‌باشد زیرا مسکن و تأمین معیشت حداقلی برای همسر و فرزندان دغدغه‌ای است که به زعم آنها حل‌ناشدنی می‌نمایند.

در کنار این موضوعات، یک نوع نااطمینانی ناشی از مرور خود نیز در میان این افراد مشهود است به طوریکه در این خصوص زندانیان معتقدند که به دلیل استمرار در نقش‌های مجرمانه‌شان در طول حیات‌شان به دلیل همراهی دوستان خلافکار و ارزشمند بودن خرده فرهنگ مجرمانه، از آنها انسانی ساخته که به قول خودشان ما دیگر در نقش خود به عنوان یک خلافکار غرق شده‌ایم «به طور مثال حمید که سال‌ها به خاطر جرایم مواد مخدر و سرقت بارها مرتکب تکرار جرم شده است می‌گوید با اینکه در این حبس طولانی‌مدت، به شدت تنبیه شده‌ام و سعی در جبران اشتباهات گذشته‌ی خویش هستم چون در بیرون از زندان چاره‌ای جز چشمداشتن به حمایت‌های دوستان ندارم و هر چند سعی می‌کنم که خلاف نکنم اما مطمئن نیستم که بعد از آزادی به سراغ دزدی نروم»

زندانی دیگر به نام محمد می‌گوید: «هر چند در طول حبسم، بدبختی و زجر زیادی کشیده‌ام ولی چون در خودم نمی‌بینم که بعد از آزادی بتوانم به کارگری تن بدهم و با درآمد پایین و نامطمئن به زندگی خودم و زن و بچه‌ام سر و سامان بدهم و احساس می‌کنم که بعد از آزادی چاره‌ای جز خلاف ندارم.»

ب- متفاوت و متمایز بودن باز اجتماعی شدن در میان محکومان

یکی دیگر از نکات فهم شده از ارزیابی وضعیت موجود برنامه‌های اشتغال و حرفه‌آموزی احساس بازدارندگی موفق برنامه‌های مذکور در خصوص محکومان حبس‌های بلندمدت است آنها معتقدند معمولاً حبس‌های کوتاه مدت در خصوص اکثر زندانیانی که بیرون از زندان زمینه و بستر جرم و خلاف برای آنها مهیا است موجب متنبه شدن آنها و تصمیم قطعی برای زندگی سالم نمی‌گردد و از طرفی دیگر در اکثر موارد تخفیف مجازات‌ها و آزادی مشروط برای این افراد، چون با رها شدگی آنها به سمت زمینه‌های جرم همراه است واز آنجا که نظارتی دقیق بر روی این افراد وجود

نخواهد داشت و این افراد مجدداً با ارتکاب جرم وارد زندان می‌شوند اما محکومان حبس‌های طولانی مدت بیشتر فرصت این را دارند که با مرور اشتباهات خود برخی فشارهای روانی حاصل از رنج دوری خانواده را پشت سر بگذارند و در نهایت به فکر بازسازی خود پس از آزادی بیفتند.

ج- تأثیر دغدغه‌های زندانی بر روی برنامه‌های بازاجتماعی شدن

زندانیان در طول مدت اقامتشان در زندان، دغدغه‌ها و مشغله‌های فکری و ذهنی زیادی را بر سر خود آوار می‌بینند که این موضوعات نقش مهمی در اولویت بندی حیات جسمی و ذهنی زمان حال و آینده‌ی آنها ایجاد خواهد کرد. فکر کردن راجع به تهیه‌ی سیگار و مواد مصرفی در داخل بند و دغدغه‌های مربوط به ناموس و خانواده در لحظه لحظه‌ی زندگی یک زندانی حضور دارند در کنار این موضوعات تا زمان صدور حکم بلا تکلیفی پرونده دغدغه‌ی اصلی محسوب می‌شد و پس از آن تقویم آزادی (تاریخ خاتمه حبس)، مهم‌ترین بخش مشغله‌های ذهنی زندانی را به خود اختصاص می‌دهد.

به طور مثال یکی از زندانیان که به خاطر میزان بالای مواد مخدر در پرونده‌اش سال‌های زیادی را در انتظار حکم بوده است عنوان می‌کند که: (... من تا زمان گرفتن عفو و تبدیل شدن مجازات اعدام به حبس ۲۰ سال همیشه خواب مرگ را می‌دیدم اکنون که ۴ سال از زمان رهایی از اعدام می‌گذرد بازهم خواب می‌بینم که مرا برای اجرای حکم اعدام به نزدیک طناب دار می‌برند.)

همچنین فشارهای روانی حاصل از مرگ عزیزان به طور مستمر موجب سرزنش برخی از زندانیان گشته است که این مصادیق در کنار اولویت‌های دغدغه‌ای مرتبط با «بقا در زندان و سرپرستی از ناموس» عملاً روی لحظه لحظه حیات زندانیان حاضر در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال تأثیرگذار بوده است.

با این وصف، می‌توان گفت که زندانیان با شرایط فوق، آنچه که برایشان در اولویت و دغدغه نیست کار و درآمدزایی پس از آزادی می‌باشد و بارها نیز انگیزه‌ی خود از حضور در واحدهای اشتغال را رهایی از انضباط بندهای بسته و بهره‌مندی از امتیازات حداقلی در بندهای اشتغال ذکر کرده‌اند.

د) نقد کلان جامعه و بی‌اعتمادی به دادگاه

برای تشریح این مضمون، در اکثر داستان‌های زندانیان مورد مطالعه این مفهوم با شیوه‌ای کنایه آمیز مطرح شده است، به طوری که آنها به جای استفاده از مشکلات و کمبودهای ناشی از سیاست‌های اشتباه دولت در قبال شهروندان، از مفهوم جامعه استفاده می‌کنند به طور مثال یکی از آنها می‌گوید که سخت‌تر شدن شرایط اقتصادی و وجود تبعیض و بی‌عدالتی و پارتی‌بازی در جامعه برای ما زندانیان بی‌بضاعت و بدون پارتی و ثروت‌پدیری، کار و زندگی را پس از آزادی بسیار سخت می‌کند.

زندانی دیگری به نام حمید با اشاره به مشکلات مربوط به کم‌کاری‌های جامعه و دولت موفقیت خود و دیگر زندانیان در مسیر زندگی پس از آزادی را اولاً «زمان بر» و ثانیاً «غیرممکن» تلقی می‌کند. از نظر این زندانیان نگرانی اصلی از جامعه و دولت عدم اطمینان از حمایت دولت پس از آزادی می‌باشد

همچنین زندانیان در گوشه‌هایی از مصاحبه‌ی خود یادآور شده‌اند که بعضاً نگاه تبعیض‌آمیز در خصوص عفو و تخفیف مجازات و آزادی زندانیان، آنها را نسبت به آزادی و ادامه زندگی ناامید کرده است

به طور مثال یکی از زندانیان که مثلاً با ذکر مفهوم نسل سوخته در روایت‌های خود گله‌ی خود از جامعه را مطرح کرده بود عنوان می‌کند که «در اینجا (یعنی زندان) چیزهای تکان‌دهنده‌ای را شاهد هستیم اینکه بعضی از افراد با اینکه جرم بزرگی مرتکب شده‌اند خیلی سریع‌تر از دیگران از امتیازات و آزادی برخوردار می‌شوند و این احساس تبعیض در صدور حکم و آزادی بسیار دلسردکننده است برای من.»

ه) اثرات متناقض برچسب و داغ زندانی بودن

در شرح این مضمون باید اذعان نمود که زندانیان مورد تحقیق که اکثراً به دلیل مصرف موادمخدر و بیکاری و بعضاً انجام کارهای غیرماهر در بیرون از زندان، صرفاً با زدوبند و قاچاق و دلالی امورات می‌گذارند تا اینکه به ورطه‌ی جرم کشیده شدند و با زندانی شدن، رهایی از برچسب و داغ زندانی بودن را امری بسیار سخت و دشوار تلقی می‌کنند. البته در کنار این مفهوم نکته‌ای را که می‌بایست متذکر شد این است که بعضاً این افراد در روایت‌های خود به دلیل مسلط بودن خرده فرهنگ مصرف و خرده‌فروشی

مواد مخدر (خواص دارویی مواد مخدر سنتی)، از برجسب مواد مخدری بودن هیچ نگرانی و ابایی ندارند.

رضا از زندانیان مواد مخدر در این خصوص می‌گوید: «...اگر بروم بیرون دیگه شیشه فروشی نمی‌کنم سعی می‌کنم فقط تریاک‌فروشی کنم البته بیشتر به سن بالاها می‌فروشم و به جوونها هرگز لطمه نخواهم زد.»

ق) آینده‌نگری و احساسات زندانیان

مضمون فوق در میان روایت‌های زندانیان با در نظر گرفتن واقع‌نگری در دغدغه‌های زندانیان حاصل شده است آنها همواره معتقدند که با مرور واقع‌بینانه مربوط به افزایش قیمت‌ها و گرانی‌های جامعه از یک طرف و پایین بودن حقوق و دستمزد کارگران، خوش‌بینی برای آینده باقی نمی‌ماند. این تصویر ذهنی که مملو از ناامیدی می‌باشد در کنار آموزش مهارت‌ها در زندان این نتیجه را برای آنها به بار آورده است که در آینده، وضعیت شغلی ما در محدوده‌ی کارگری با حقوق ناچیز دور خواهد زد.

در میان زندانیان مورد پژوهش آن تعدادی که مدعی هستند که قبلاً در بخش‌های تولیدی و بازار مشغول فعالیت بوده‌اند، معتقدند: علاوه بر مشکلات مربوط به نوسانات اقتصادی بازار، به دلیل زندانی شدن، عملاً اعتماد جامعه و بازار نسبت ما سلب شده است و دیگر شانس برای آینده‌ی کاری ما در بخش‌های تولیدی و بازار وجود نخواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

طی قرن گذشته، مجازات و بازاجتماعی شدن دو مفهومی است که در ادبیات جامعه‌شناسی انحرافات و جزا و جرم‌شناسی با هدف ایجاد نظم و انضباط در جامعه مسیر تکاملی خود را طی کرده است و طراحی و اجرای برنامه‌های مختلفی همچون مهارت‌آموزی و اشتغال مجرمان در زمان تحمل کیفر حبس، در اکثر کشورهای دنیا مورد توجه بوده است. اگرچه ارزیابی‌هایی در خصوص اثربخشی این برنامه‌ها صورت پذیرفته و تأثیر این برنامه‌ها بر روی کاهش تکرار جرم را بصورت مؤثر و یا ناکارآمد تبیین نموده است اما آنچه که در این پژوهش هدف نویسندگان بوده است ثبت تجربه مستقیم موضوع از نظر اول شخص بوده است بطوریکه مطابق جرم‌شناسی فرهنگی و

محکومان که تأکید بر انجام پژوهش‌های پدیدارشناختی را به عنوان رویکرد جدید مطالعه جرم و مجازات در جوامع قرار داده است. در این پژوهش یافته‌های حاصل از ثبت روایت‌ها و داستان‌های ارایه شده زندانیان در زمان اقامت در واحدهای حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌ها به شرح زیر جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شود.

یافته‌های ارائه شده در این پژوهش بر اساس مصاحبه‌های عمیق کیفی و بررسی خط سیر زندانیان مصاحبه‌شونده‌ای است، که تجربه زندگی در زندان را دارند. خط سیر، روایت زندگی افرادی است که در مجموع می‌توان بر اساس آن، مراحل و فرایند باز اجتماعی شدن را شناسایی نمود. امروزه استفاده از داده‌های سرگذشت زندگی از طریق بررسی خط سیر زندگی، از شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با بررسی جرم است. هدف مطالعات خط سیر زندگی، این است که سندی غنی از انتخاب‌های شخصی متغیر مجرمین و تجارب زندگی آنها در طول حیاتشان به دست آید. از این رو اسناد خط سیر زندگی منجر به فهم مراحل و دوره‌های حیاتی در فرایندهای شکل‌گیری جرایم خشن و غیرخشن می‌شود. همچنین این مطالعات کمک می‌کند تا دریابیم که چگونه افراد خاص به وسیله موقعیت‌شان در جامعه هم توانا و هم محدود می‌شوند. بنابراین مصاحبه‌های روایتی عمیق و ترسیم خط زندگی برای مصاحبه‌شوندگان به عنوان راهی برای بررسی بیشتر وقایع بحرانی زندگی، آغاز یا ادامه مجرمیت و زندگی در زندان و تجربه مهارت‌آموزی و اشتغال در زندان صورت پذیرفته است و مقولات و مضامین اساسی منتج از روایت‌ها استخراج گردیده است هر چند که روابط میان این مقولات، علت و معلولی نبوده و نمی‌توان گفت هر واقعه‌ای لزوماً پیامد و اثر شرایطی خاص است. همچنین پژوهش حاضر به علت کیفی بودن تحقیق، به هیچ وجه قصد تعمیم یافته‌ها و نتایج حاصل را ندارد، اما در تمامی مراحل تحقیق و گزارش نویسی به منظور افزایش اعتبار تحقیق، تأیید مقولات اکتشافی و کاهش شائبه تفسیر شخصی داده‌ها، به نتایج سایر تحقیقات ارجاع و استناد شده و تم‌ها و روایت‌های زندانیان، نقل قول شده است.

بر اساس روایت زندانیان مورد مطالعه، مهمترین انگیزه آنان پس از تحمل بلا تکلیفی ناشی از مشخص نبودن میزان مجازات تعیین شده از سوی دادگاه، این موضوع بوده که اکثراً با هدف فرار از انضباط روزانه و اجباری بندهای زندان بسته، تقاضای انتقال به واحدهای اشتغال نموده‌اند. بهره‌مندی از فضای بزرگتر برای خواب و استراحت و نیز

استفاده راحت‌تر از امکاناتی چون تلفن و ملاقات و مرخصی، مهمترین هدف زندانیان بوده است. برای این اساس آنچه که از نظر آنها به عنوان سلسله مراتب دغدغه‌های زندانیان تلقی گشته است اولاً بقای زندانی و ثانیاً سرکشی به امورات خانواده و رفع دغدغه‌های آنها بوده است. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که شرکت در آموزش حرفه‌ای و مهارت‌آموزی در دوران حبس به احتمال باقی ماندن در آزادی در ۲ تا ۵ سال پس از آزادی زندانیان کمک می‌کند. در واقع توسعه آموزش حرفه‌ای و آموزش در محیط زندان برای رفع نیازهای خاص افراد و جامعه مؤثر است و این یافته با نتایج کاله و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد.

به عبارتی دیگر، زندانیان مذکور پس از گذراندن دوره سخت بازداشت، انتقال به واحدهای اشتغال را که البته با مشقت‌هایی نیز همراه است را به عنوان لطفی ارزشمند ولی هرچند کوچک ارزیابی کرده‌اند. آنها در خصوص کیفیت آموزش و مهارت‌آموزی، به لحاظ غیرمرتبط بودن دوره‌ها با نیازها و خلاقیت خودشان بیشتر متقاضی مهارت‌آموزی تحت آموزش یک زندانی استاد کار بوده‌اند. یکی از شواهد تجربی دال بر عدم وجود پشتیبانی مرتبط به مشارکت برنامه‌ها با موفقیت اشتغال متعاقب آن است. نتایج با استفاده از بکارگیری نظام‌مند شواهد تجربی، نشان می‌دهد که بین بیکاری و مجرم بودن و نیز تکرار جرم رابطه‌ای مثبت دارد که این یافته‌ها با نتایج نیوتون و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد و یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. از نظر آنها چون استاد کار، زندانی است ما بیشتر او را می‌فهمیم برای اینکه او از جنس خودمان است و بدبختی‌های ما را درک می‌کند. در کنار استمرار اعتیاد به مواد مخدر و نیز مهیا بودن زمینه‌های جرم و خلاف در محل سکونت اکثر زندانیان مذکور، آنچه که نگرانی این افراد را برای ادامه حیات بعد از آزادی مضاعف می‌کند عدم حمایت دولت در خصوص اشتغال می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که چگونه روایت‌های اشتغال‌پذیری حاکم در سیاست آموزش و اشتغال با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و بازار کار تطابق ندارد به طوری که کارجویان محروم با توجه به مفاهیم مسیر حرفه‌ای و تناسب بین فرد و بازار کار با این چالش‌ها مواجه هستند. پاسخ‌های سیاستی نیازمند احتساب تجارب متنوع از پایین به بالا و شرایط گروه‌های مختلف جوانان است لذا یافته‌های این بخش، با نتایج پژوهش مکدونالد (۲۰۲۰) همخوانی دارد و آن را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

- در شرح وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج زندان‌ها که در مراکز استان‌ها مشغول به فعالیت هستند حمایت از زندانیان دارای حداکثر سه سابقه کیفری قید شده است لذا می‌بایست در خصوص زندانیان دارای سوابق متعدد نیز حمایت‌های شغلی در نظر گرفته شود؛
- برای اثربخشی برنامه‌های باز اجتماعی شدن در زندان‌ها، پرداخت حقوق به زندانیان شاغل در کارگاه‌های اشتغال باید بر اساس قانون پرداخت دستمزد (مطابق قانون کار و پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی) رعایت گردد؛
- مهارت‌آموزی در زندان‌ها باید بر اساس نیازهای بازار کار محلی و منطقه‌ای (اشتغال پایدار) و به منظور تضمین درآمد مکفی برای زندانیان برنامه‌ریزی شود؛
- به منظور بازنگری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌بایست نیازسنجی آموزشی بر اساس آمایش سرزمینی و شناخت استعداد و خلاقیت و توانایی‌های زندانیان طراحی شود و میزان علایق و نگرش آنها حتماً در نظر گرفته شود.

تقدیر و تشکر

در پایان برخورد لازم می‌دانیم از مجموعه اداره کل زندان‌های استان تهران بویژه مدیریت و مددکاران اجتماعی و کارشناسان اشتغال و حرفه‌آموزی زندان‌های قزلحصار، تهران بزرگ و کانون اصلاح و تربیت که در مصاحبه‌ها یاری‌گر بودند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۵). پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران. تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). بازپروری عادلانه مجرمان. فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۳)، صص ۱۵۱-۱۷۶. قابل بازیابی از:
<https://cld.razavi.ac.ir/>
- اسداللهی، عبدالمجید، محسنی تبریزی، علیرضا، براتوند، محمود (۱۳۸۸). نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۴)، صص ۳۴۸-۳۵۵. قابل بازیابی از:
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2420-fa.html>
- پورقهرمانی، بابک و استادی، علی (۱۳۹۶). تأثیر اشتغال و حرفه‌آموزی زندانیان بر پیشگیری از تکرار جرم (مطالعه موردی: زندان تبریز). فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۲(۴۴)، صص ۵۱-۳۵. قابل بازیابی از:
http://cps.jrl.police.ir/article_19213.html
- جهانگیری، الناز و قریشی، سعید (۱۳۹۶). بررسی کارکردهای بازپرورانه حق برخورداری از آموزش و پرورش در زندان‌های استان اصفهان پژوهش‌های حقوق کیفری. ۸(۱۶)، صص ۶۵-۸۶. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/398712>
- حسنی، رفیق (۱۳۹۴). تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در میزان اشتغال زندانیان آزاد شده در استان کردستان. مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین‌المللی مهارت آموزی و اشتغال. صص ۱-۱۱. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?id=30307>
- سام آرام، عزت اله (۱۳۹۲). نظریه‌های مددکاری اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیف الهی، سیف اله (۱۳۸۸). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات موسسه جامعه‌پژوهان سینا. قابل بازیابی از:
<http://chaponashr.org/jameepajuhanesina>
- شیرینی، عباس (۱۳۹۷). دانشنامه جرم‌شناسی محکومان. تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- عباسی نژاد، حسین؛ رضانی، هادی و صادقی، مینا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. (۶۴)، صص ۶۵-۸۶. قابل بازیابی از:
<http://qjerp.ir/article-1-523-fa.html>

- فوکو، میشل (۱۳۹۵). مراقبت و تنبیه-تولد زندان. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- مهدوی ثابت، محمد علی، کونانی، سلمان (۱۳۹۸). جرم‌شناسی اصلاح و درمان، درس‌نامه تغییر و اصلاح زندانیان. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). ضد روش، زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۶). درس گفتار پدیدارشناسی نظریه و روش. تهران: موسسه رخداد تازه.
- نوذری، حمزه (۱۳۹۷). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی کار و شغل. تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- نوروزی، فیض الله (۱۳۹۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات سخنوران.
- نیازی، محسن و محمدی، محمدصدیق (۱۳۹۳). چرخش گفتمان تبیین جرم از دوره کلاسیک تا پست مدرنیسم. نشریه کارآگاه، (۲۹)، صص ۷۰-۹۰. قابل بازیابی از:
http://det.jrl.police.ir/article_۱۰۶۵۷.html
- Banks, N. (2017). Investing in prison education: New approaches to improving educational outcomes and reducing re-offending. Department of Corrections. Archived from the original on April, 20, 2018. Retrieved from:
<https://icpa.org/library/the-new-zealand-corrections-journal-volume-5-issue-1-july-2017>.
- Bales, W. D., Clark, C., Scaggs, S., Ensley, D., Coltharp, P., Singer, A., & Blomberg, T. G. (2016). An assessment of the effectiveness of prison work release programs on post-release recidivism and employment. National Institute of Justice. Retrieved from:
<https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/grants/249845.pdf>
- Cale, J., Day, A., Casey, S., Bright, D., Wodak, J., Giles, M., & Baldry, E. (2019). Australian prison vocational education and training and returns to custody among male and female ex-prisoners: A cross-jurisdictional study. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 52(1), 129-147. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1177/0004865818779418>
- Chui, W. H., & Cheng, K. K. Y. (2014). Challenges facing young men returning from incarceration in Hong Kong. *The Howard Journal of Criminal Justice*, 53(4), 411-427. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1111/hojo.12088>
- Dawe, S. (2007). Vocational Education and Training for Adult Prisoners and Offenders in Australia. Research Readings. National Centre for Vocational Education Research Ltd. PO Box 8288, Stational Arcade, Adelaide, SA 5000, Australia. Retrieved from:
<https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED499730.pdf>

- Koski, L., & Miettinen, K. (2007). Vangit koulutuksessa. Selvitys vankien koulutukseen osallistumisesta, oppimisvalmiuksista ja-strategioista sekä opetuksen laadusta. Rikosseuraamusviraston julkaisu 3/2007. Retrieved from: <https://core.ac.uk/download/pdf/38020843.pdf>
- Li, M. (2018). From prisons to communities: Confronting re-entry challenges and social inequality. The SES Indicator (American Psychological Association, 11(1). Retrieved from: <https://www.apa.org/pi/ses/resources/indicator/2018/03/prisons-to-communities>
- Miller, J., & Palacios, W. R. (Eds.). (2015). Qualitative research in criminology (Vol. 1). Transaction Publishers.
- Nwalozi, C. J. (2015). Rethinking subculture and subcultural theory in the study of youth crime—A theoretical discourse. Retrieved from: <https://dora.dmu.ac.uk/handle/2086/16964>
- Polizzi, D. (2011). the phenomoenology of davian behavior. recsearchgate. Handbook on Deviant Behavior. Retrieved from: <https://www.researchgate.net/publication/267624314>
- Mohseni, R. A. (2012). The sociological analysis of prison: Costs and consequences. Journal of law and conflict resolution, 4(1), 13-19. Retrieved from: <https://doi.org/10.5897/JLCR11.044>
- McDonald, P., Grant-Smith, D., Moore, K., & Marston, G. (2020). Navigating employability from the bottom up. Journal of Youth Studies, 23(4), 447-464. <https://doi.org/10.1080/13676261.2019.1620925>
- Newton, D., Day, A., Giles, M., Wodak, J., Graffam, J., & Baldry, E. (2018). The impact of vocational education and training programs on recidivism: A systematic review of current experimental evidence. International journal of offender therapy and comparative criminology, 62(1), 187-207. <https://doi.org/10.1177/0306624X16645083>
- Schreiner, M. (1999). Self-employment, microenterprise, and the poorest Americans. Social Service Review, 73(4), 496-523. <https://doi.org/10.1086/514443>
- Siwach, G. (2018). Unemployment shocks for individuals on the margin: Exploring recidivism effects. Labour Economics, 52, 231-244. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.labeco.2018.02.001>

